

جیمز کینگ

شش سال پیش نام جیمز کینگ بکوش کسی نخورده بود ولی امروز این خواننده امریکائی درردیف مشهورترین خوانندگان تنورجهان درآمده و دربرلن و وین بیک اندازه شهرت یافته است. دو سال ۱۹۶۲ در سالزبورگ، در ۱۹۶۵ در بایروت و در دسامبر سال ۱۹۶۶ به اپرای متروپولیتن راه یافت.

این همه موفقیت را پسر کلانتر «دوچسیتی» در ایالت کانساس، با همه عشقی که به موسیقی داشت، بخواب هم نمی‌دید. او در دانشکاه لوئیزیانا و کانساس تحصیل موسیقی کرد و چون دوره طلبگی را پایان رسانید، در دانشکاه شهر کنتوکی بعنوان پرورسور موسیقی استخدام شد و از آن ببعده ضمن تعلیم، گاهی بصورت خواننده آما تور در اجرای برخی از اپراها و نیز بخش‌های سولو آوازهای جمعی شرکت می‌کرد. در سال ۱۹۴۶ جیمز کینگ برای اولین بار بروی صحنه آمد و نقش خواننده باریتون (آلفیو) اپرای «کوالریا روستیکانا» اثر ماسکانی را اجرا کرد. موفقیت او کم نبود ولی هیچکس باور نمی‌کرد که او کمتر از بیست سال دیگر صحنه بزرگترین اپراهای جهان را تسخیر خواهد کرد.

قهرمان ما همچنان سرگرم تدریس بود و در اوقات فراغت پارتی‌هایی نظیر «سیلویو» و «التین و کنت آلمانویو» را یاد می‌گرفت. در سال ۱۹۵۵ با «مارتیا» زینگر، خواننده باریتون اپرای متروپولیتن، آشنا شد و همین شخص بود که دست

استاد کینگ را گرفت و در گوشش گفت ، « آقا جان بین خودی ادای باریتون‌ها را در نیار. تو یک خواننده تنوری! » و چه روز های سختی بود آن روزها که جیمز کینگ



در نقش ابولو، از اپرای دافنه

در نقش خواننده از اپرای شوالیه گل سرخ



در نقش قیصر، از اپرای زن بی‌سایه
(با لئون ریباک)



در نقش فلورستان، از اپرای فیدلیو
(با تفاق کریستا لودویگ)

می‌کوشید پارتی‌های باریتون را - که با هزارجان‌کندن یاد گرفته بود- فراموش کند و بجایش قطعاتی را برای صدای «تنور» حفظ نماید .

در سال ۱۹۶۱ جایزه اول یک مسابقه آواز در «سین سیناتی» به جیمز کینگ تعلق گرفت و او که سرمست باده پیروزی بود و سرمایه‌ای هم بهم زده بود، دارو نداشتش را جمع کرد و روانه ایتالیا شد . لابد شنیده‌اید که جوانان ثروتمند آمریکائی که در یک رشته هنری تحصیل می‌کنند و در وطنشان شانس موفقیت ندارند؛ با اجازه یک ایرا یا تالار بزرگ نمایشگاه و نیز جلب رضایت چند روزنامه‌نگار «پولکی» ، در ایتالیا برای خودشان اسم رسمی پیدا می‌کنند و پس از اجرای یکی دو «نقش اول ایراها» و به درد آوردن گوش حساس شنوندگان ایتالیائی ، راهی وطن می‌شوند و تا آخر عمر بعنوان «خواننده سابق ایراهای ایتالیا» از صدها هنرجوی ساده و معصوم



در نقش رودلف ، از برای لایوهم (با پیلا لورنگار)

آمریکائی باج می گیرند . راستش را بخواهید جمین کینگ خودمان هم همین قصد را داشت و بهمین جهت نقش «کلارا دوسی» را از مدیران اپرای فلورانس «خرید»



در نقش کارلوس، از اپرای دون کارلوس
(با فیشر دیسکاو)

اما چون استعداد فراوان و صدای خوبی داشت ، کارش با اصطلاح «گل» کرد و چنان از او تشویق بعمل آمد که جرئت پیدا کرد و در حضور مدیران اپرای برلن چندقطعه خواند و بلافاصله برای مدت



در نقش ریشارد، از اپرای با لئاسکه



در نقش دون خوزه از اپرای کارمن اثر «سلنر»
سه سال با استخدام اپرای مزبور درآمد .

در سال ۱۹۶۲ جیمز کینگ نقش‌های مهمی از قبیل «ریشارد» از اپرای بالماسکه ، دون خوزه ، از اپرای کارمن و «خواننده» از اپرای شوالیه گل سرخ را با موفقیت اجرا کرد و در تابستان همان سال بنا بدعوت کارل بوم در نقش «آخیلس» از اپرای «ایفی زنی در آولیس» در فستیوال سالزبورگ ظاهر شد . در ژانویه ۱۹۶۳ نقش با کوس را در اپرای دولتی وین خواند و در سال ۱۹۶۴ در نقش آپولو (اپرای دافنه) در فستیوال هنری وین (برهبری کارل بوم) ، و در نقش «اگیت» (از اپرای الکترا) در سالزبورگ (برهبری هربرت فون کارایان) ، بروی صحنه آمد .



در نقش دون خوزه از اپرای کارمن اثر بیزه



در نقش زیگموند از اپرای والکوره

در سال ۱۹۶۵ ویلاندوا کنر فقید او را برای اجرای نقش زیگموند از اپرای والکوره به بایروت دعوت کرد و سال بعد برهبری لئونارد برنشتاین و باتفاق

« فیشر دیسکاو » ، « ترانه زمین » اثر
گوستاو مالر را روی صفحه گرامافون
ضبط کرد.



در دسامبر همان سال با استخدام
ایرای متروپولیتن نیویورک درآمد و
در مدتی کوتاه پنج نقش اول را با موفقیت
زیادی ، خواند . این نقش‌ها بترتیب
از این قرار بود: «فلورستان» از ایرای
فیدلیو ، «قیصر» در ایرای «زن بی
سایه»، «اگیت» در ایرای الکترا، «خلف»
از ایرای پوراندخت و «لوهنگرین» از
ایرای لوهنگرین.

این بود «کارنامه» آقا معلمی که

در نقش «کائیو» از ایرای بایاتزو خواننده از آب درآمد ...



در نقش «خلف» از ایرای توراندخت (باتفاق بریژیت نیلسون)

امروز جیهز کینگ قطعات اجرایی خود را از بین یارتی‌های تنور و باریتون،
هر دو انتخاب می‌کند. او مایل نیست که فقط یک خواننده «تنور قهرمان» Helden-
tenor و اجرا کننده آثار اشتراس و واگنر باشد ؛ بلکه می‌خواهد آثار ایتالیائی را هم اجرا
نماید . باین جهت در «رپراتور» او، هم نقش «ادیک» از ایرای هلندی سرگردان
جای دارد و هم نقش «پارسیفال» و البته نقش‌های رادامس و مانریکو و حتی
اتللو....

امیر اشرف آریان پور